

مطلب زیر برگرفته از کتاب ((ارزشیابی آموزشی)) تألیف دکتر کیامنش (۱۳۷۹).

انتشارات پیام نور است

تفاوت‌های ارزشیابی با چند مفهوم دیگر

برای ارزشیابی تعاریف مختلفی وجود دارد که در شرایط فعلی نمی توان از میان آنها یکی را به عنوان جامع ترین تعریف انتخاب نمود . با توجه به این مسئله برای شناخت بیشتر مفهوم ارزشیابی ، به چند مفهوم که با مفهوم ارزشیابی نزدیک بوده ، گاه مترادف و هم معنی آن نیز بکار برده میشوند ، اشاره کرده و تفاوت‌های هر یک از آنها با مفهوم ارزشیابی بیان می گردد .

الف) ارزشیابی و اندازه گیری

اندازه گیری همانند ارزشیابی یک فرایند نظام دار است که با استفاده از قواعدی ، که صحت آنها را می توان مورد آزمایش قرار داد ، به مقادیر مختلفی از یک صفت که در یک فرد یا یک شیء وجود دارد عدد اختصاص داده می شود . بدین ترتیب از طریق انجام اندازه گیری مقدار موجود از یک صفت در فرد یا شیء مشخص شده و با کمیت عددی نشان داده می شود . عمل اندازه گیری امکان توصیف عینی تر از پدیده مورد اندازه گیری و همچنین امکان مقایسه را فراهم می سازد . مثلاً به جای استفاده از عبارت کلامی نظیر ((علی از رضا با هوش تر است)) و یا ((قد و وزن محمد از حد طبیعی کمتر است)) گفته می شود که ((نمره هوشی علی ۱۱۰ و رضا ۱۰۰ است)) و

همچنین ((محمد با ۱۴ سال سن ، ۳۵ کیلو گرم وزن و ۱۳۰ سانتی متر قد دارد)) عبارتهای عددی دقیق تر و عینی تر از عبارتهای کلامی بوده و کمتر تفسیر پذیر هستند .

فرایند اندازه گیری اساساً غیر ارزشی بوده و به مقادیر بدست آمده از طریق عمل اندازه گیری هیچگونه ارزشی تعلق نمی گیرد . صفات اندازه گیری شده فقط به صورت کمی توصیف می شوند و در مورد آنها قضاوت و داوری صورت نمی گیرد . در حالیکه صفات مطالعه شده در ارزشیابی هم مورد علاقه هستند و هم با ارزش . این صفات به صورت کیفی توصیف می شوند و در مورد آنها قضاوت ارزشی می شود . با وجود این اندازه گیری پایه و مقدمه ارزشیابی است و برای انجام یک عمل ارزشیابی مناسب به اطلاعات متنوع ، فراوان و دقیق نیاز هست ، اطلاعاتی که از طریق انجام اندازه گیری کسب می گردند . اندازه گیری در نهایت به تعیین کمیت و ارزشیابی به تعیین ارزش منجر می شود .

اندازه گیری و ارزشیابی دو هدف مختلف را دنبال می کنند (ولف ، ۱۹۸۴ ، صفحات ۸۷) هدف از اندازه گیری در آموزش و پرورش مقایسه فراگیران در ویژگیهای مورد نظر است . مثلاً به دو یا چند فراگیر ، در رابطه با مطالب آموزشی آموخته شده ، یک آزمون با سوالهای یکسان داده می شود و عملکرد آنها با یکدیگر مقایسه می شود . آنچه که در عمل اندازه گیری اهمیت دارد ، توصیف و مقایسه افراد است .

هدف از ارزشیابی توصیف تاثیر عملهای آموزشی یا برنامه های آموزشی است . هدف مورد توجه در ارزشیابی ، موثر بودن یک برنامه آموزشی است . به همین دلیل

در ارزشیابی ، مقایسه بین افراد نه ضرورت دارد و نه مطلوب است . به عبارت دیگر ، ضرورتی ندارد که تمام فراگیران یک برنامه آموزشی به تمام سوالهای آزمون مربوط به آن پاسخ دهند ، بلکه از میان جامعه فراگیران و جامعه سوالها (با استفاده از روش ((نمونه گیری ماتریسی چند متغیری))) گروههای مختلفی از فراگیران و سوالها تشکیل می شود . هر گروه به یک بخش از سوالها پاسخ می دهد . از ترکیب نتایج از عملکرد گروههای مختلف میزان مطلوبیت یا عدم مطلوبیت برنامه آموزشی مورد قضاوت و داوری قرار می گیرد .

لازم به یادآوری است که در منابع فارسی واژه ((سنجش)) مترادف با واژه ((اندازه گیری)) به کار رفته است . ولی در منابع انگلیسی این واژه گاه مترادف با ((ارزشیابی)) نیز بکار رفته است .

ب) ارزشیابی و پژوهش

پژوهش فعالیتی است هدفدار ، منظم و طرحریزی شده برای پیدا کردن پاسخ سوالهای مطرح شده . از طریق مقایسه تعریف پژوهش با تعاریف مختلف ارائه شده برای ارزشیابی می توان به تفاوتهای این دو پی برد . ورتن و ساندرز (۱۹۷۳) ضمن بحث در زمینه ارزشیابی به عنوان یک شیوه بررسی ، به مقایسه ارزشیابی و پژوهش پرداخته و به ۱۲ ویژگی متفاوت بین این دو اشاره کرده اند .

پایپام (۱۹۷۵) ضمن اشاره به چند مورد تفاوت جزئی ، به سه تفاوت عمده بین این دو شیوه اشاره کرده است . ایساک و مایکل (۱۹۸۳) در یک جدول و به صورتی کاملاً

خلاصه شده به ۱۰ تفاوت اشاره کرده اند. و بالاخره ولف (۱۹۸۴) سه تفاوت عمده را به صورت مفصل معرفی کرده است. تفاوت‌های بیان شده توسط این صاحب‌نظران، در بسیاری موارد با هم تداخل دارند. در زیر به چند تفاوت عمده بین ارزشیابی و پژوهش اشاره می‌شود.

نیروی به حرکت درآورنده پژوهشگر برای انجام فعالیت پژوهشی، کنجکاوی و کسب آگاهی است. هدف وی کشف رابطه‌های علت و معلولی بین پدیده‌ها و رسیدن به یک حقیقت علمی است. پژوهشگر - حداقل در کوتاه مدت - به اهمیت و کاربرد دانش بوجود آمده کمتر توجه می‌کند. مجری ارزیابی نیز به شیوه‌ای نظام دار در تلاش برای جمع آوری اطلاعات و کسب دانش تازه است. نیازها و هدفها محرک وی در انجام فعالیت ارزشیابی بشمار می‌آیند. هدف مجری ارزشیابی بیشتر آن است که از دانش کسب شده در تصمیم‌گیری استفاده کند و عملی انجام دهد.

پژوهشگر از دانش کسب شده برای نتیجه‌گیری استفاده می‌کند، بهمین دلیل پژوهش را نتیجه - مدار می‌گویند. در حالی که مجری ارزشیابی از دانش کسب شده برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کند، بهمین دلیل ارزشیابی را تصمیم - مدار می‌گویند. اشاره به واژه ((تصمیم‌گیری)) در تعریفهای ارائه شده توسط کرانباخ، استافل بیم و شینک فیلد، و بیبای و همچنین اشاره بیبای به ((انجام عملی)) موید این مسئله است. کولی و بایکل (۱۹۸۸) با توجه به این دو تفاوت، بجای ارزشیابی آموزشی از پژوهش آموزشی تصمیم - مدار استفاده کرده اند.

کار پژوهشگر با شناخت ، درک پدیده ها و پاسخ به سوال یا سوالهای مطرح شده پایان می پذیرد . وی در مورد یافته های پژوهش (خوب یا بد ، موثر بودن یا نبودن ، با ارزش بودن یا نبودن) داوری نمی کند ولی مجری ارزشیابی از شناخت ، درک پدیده ها یا پاسخ های بدست آمده برای بهبود و اصلاح پدیده ارزشیابی شده استفاده می کند ، و بوضوح در مورد ارزش برنامه آموزشی یا موضوع ارزشیابی شده (مطلوب یا نامطلوب ، با ارزش بودن یا نبودن) قضاوت می کند .

پژوهشگر به تولید دانشی علاقه دارد که تا حد ممکن تعمیم پذیر باشد . بهمین دلیل وی مطالعه پژوهشی خود را به صورتی طرح ریزی می کند که از یک طرف بتواند یافته های حاصل از پژوهش را ، با اطمینان هرچه بیشتر ، به کاربرندی آزمایشی نسبت دهد یعنی از طریق کنترل عوامل تهدید کننده اعتبار درونی ، ن و از طرف دیگر بتواند یافته پژوهشی را تا حد ممکن به افراد و موقعیتهای دیگر تعمیم دهد (یعنی از طریق عوامل تهدید کننده اعتبار بیرونی) . نتایج پژوهشها معمولاً در سطح گسترده چاپ و منتشر می شوند ، و در زمانها و مکانهای مختلف مورد توجه قرار می گیرند . در حالی که مجری ارزشیابی به تولید دانشی علاقه دارد که به یک تصمیم یا تصمیم های خاص منجر گردد . مجری ارزشیابی به تعمیم یافته ها فکر نمی کند . اصولاً دانشی که از طریق ارزشیابی کسب می گردد فاقد کلیت لازم برای تعمیم می باشد . مجری ارزشیابی به دانشی می اندیشد که به کمک آن موضوع بررسی شده را بشناسد و در مورد آن تصمی گیری کند . نتایج ارزشیابی ها کمتر به صورت

گسترده چاپ و منتشر می شوند . در صورت چاپ ، روش انجام عمل ارزشیابی بیشتر مورد توجه قرار می گیرد .

در پژوهش ، فرضیه یا فرضیه های مطرح شده آزمون می شوند ، در حالیکه در ارزشیابی میزان موفقیت در رسیدن به هدفها مورد سنجش قرار می گیرد . به عبارت دیگر ، یافته های ارزشیابی با هدفها و یا معیارهای از قبل مشخص شده سنجیده می شود .

پژوهشگر برای آنکه بتواند ، دانش قابل اعتماد و تعمیم پذیر تولید کند ، از قواعد و اصول خاصی پیروی می کند . مثلاً از نمونه گیری دقیق ، و کنترل و دستکاری متغیرها ، و گروه کنترل بهره می گیرد . در حالیکه مجری ارزشیابی نمی تواند و یا حتی ضرورتی ندارد که از ایت قواعد و اصول به طور کامل و دقیق پیروی کند . برای مثال استفاده از روشهای نمونه گیری و بهره گیری از گروه کنترل ، برای اجرای مطالعات پژوهشی یک لازم و ضروری است . ولی در مطالعات ارزشیابی گاه مسائل مختلف (مثلاً مقاومت مدرسه و یا عدم موافقت اولیا) مانع استفاده از روشهای نمونه گیری می شوند و یا بندرت می توان گروه کنترل را از دریافت کاربرندی آزمایشی محروم نمود . با وجود این در ارزشیابی از برنامه های آموزش گاه موقعیتهای پیش می آید مثلاً ارزشیابی تاثیر یک دوره آموزش ((برنامه نویسی کامپیوتری زبان بیسیک)) به افرادی که هیچگونه آشنایی قبلی با این شیوه برنامه نویسی ندارند که اکثر اصول و قواعد مورد توجه در طرحهای پژوهشی غیر ضروری محسوب می گردد . در مثال برنامه نویسی به زبان بیسیک ، امکان نمونه گیری وجود ندارد ، به گروه

کنترل نیازی نیست و استفاده از پیش آزمون نیز ضرورتی ندارد. ولی یافته های چنین مطالعه ای (به علت تازه ها و تخصصی بودن موضوع مورد آموزش) برای تدوین کنندگان برنامه آموزشی می تواند سودمند واقع گردد.

پژوهشگر در انتخاب موضوع مورد پژوهش و مدت زمان اجرای پژوهش تقریباً آزادی عمل دارد. وی موضوعی را انتخاب می کند که بنحوی در حوزه علاقه و تخصص او قرار داشته باشد. همچنین با توجه به شرایط با میل خود، طول مدت اجرای پروژه پژوهشی را تعیین می کند. در حالی که از مجری ارزشیابی معمولاً خواسته می شود تا یک پروژه یا فعالیت آموزشی خاصی را ارزشیابی کند. در نتیجه وی از طرف سفارش دهندگان عمل ارزشیابی تحت فشار قرار می گیرد تا فعالیت ارزشیابی را در یک فاصله زمانی معین به اتمام برساند. زیرا سفارش دهندگان یا تصمیم گیرندگان برای تصمیم گیری در مورد پروژه یا فعالیت آموزش به بازخورد های دریافت در موقع تصمیم گیری نیاز دارند.

ج) ارزشیابی و پاسخ گویی

هرکس که فعالیتی انجام می دهد، باید شواهدی را نشان دهد که مشخص سازد، آن فعالیت را در چه حد و با چه کیفیتی انجام داده است. فرض کنید برای خرید یک کتاب به کتاب فروشی مراجعه کرده و کتاب مورد نیاز را خریداری کرده اید. پس از چند روز متوجه می شوید که کتاب ناقص است و چند صفحه آن چاپ نشده است. به کتاب فروشی مراجعه می کنید و از فروشنده می خواهید که یا کتاب را تعویض کند

و یا پول کتاب را پس دهد . در واقع شما ، از این طریق می خواهید که در ازاء مبلغ پرداخت شده ، کتاب بدون نقص دریافت کنید . این عمل یعنی ((پاسخ گویی)) .
فروشنده ، ن در قبال کتابی که فرخته است باید پاسخگو باشد و مسولیت نقص کتاب فروخته شده را بعهده بگیرد . عمل پاسخگویی در بخش صنعت ، یعنی تضمین کالا و تعویض در صورت ضرورت ، باعث گردیده که تلاش برای تولید کیفی ، کارایی و دوام بیشتر محصول افزایش یابد . به همین ترتیب در آموزش و پرورش نیز خیلی طبیعی به نظر می رسد اگر اولیا انتظار داشته باشند که مدرسه در قبال پیشرفت فرزندان آنها پاسخگو باشند و مسئولیت بپذیرد . افزایش تقاضا برای پاسخگویی می تواند به افزایش تلاش برای بهبود تجارب آموزشی ارائه شده در کلاس مدرسه کمک کند .

گی (۱۹۸۵) معتقد است که با مشخص کردن " کی پاسخگوی چی " مشکل است . مثلاً یک کعلک تا چه اندازه پاسخگو میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کلاس می باشد ؟ برای پاسخ دادن به این سوال باید دید که معلم تا چه حد بر عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کنترل دارد . بدیهی است که معلم بر بسیاری از این عوامل نظیر توانایی ، استعداد ، تجارب قبلی دانش آموزان ، امکانات آموزشی مدرسه ، برنامه ، محتوی و مواد کمک آموزشی مدرسه ، یا اصلاً کنترل ندارد و یا کنترل بسیار ناچیز دارد . لذا معلم فقط به اندازه که بر عوامل بوجود آورنده بازده های آموزشی کنترل دارد باید پاسخگو بازده های بدست آمده از آموزش باشد .

برای پاسخگویی باید فعالیتهای آموزشی انجام شده مورد ارزشیابی قرار گیرد . یافته های حاصل از ارزشیابی ، یعنی عملکردها یا آنچه که انجام گرفته و رخ داده است ، در اختیار کسانی قرار می گیرد که برنامه مطالعه شده را مورد سوال قرار داده اند . در واقع ارزشیابی وسیله پاسخگویی است . فرایند ارزشیابی می تواند بازخوردهایی را فراهم آورد که مشخص میسازد چه چیزهایی خوب انجام شده و چه چیزهایی به بهبود و اصلاح احتیاج دارند .

در حالیکه اکثر برنامه های پاسخگویی در آکوزش و پرورش به ارزشیابی نیاز دارند . تمام فعالیتهای ارزشیابی بخاطر پاسخگویی به اجرا در نمی آیند (پاپهام ، ۱۹۷۵) . گاه یک برنامه آموزشی مورد ارزشیابی قرار می گیرد ، چون توسط افرادی که در خارج از برنامه هستند ، عمل ارزشیابی درخواست شده است . این ارزشیابی به بخاطر پاسخگویی است ولی گاه یک برنامه آموزشی توسط دست اندرکاران و مسئولین برنامه و به منظور ارزشیابی از تمام اجزاء برنامه یا فقط بخشهای خاصی از برنامه به اجراء می آید ، بدون آنکه قصد پاسخگویی در میان باشد . در نتیجه اگر چه ارزشیابی آموزشی پاسخگویی نیست و فعالیت هر ارزشیابی ضرورتاً به منظور پاسخگویی اجرا نمی شود ، ولی هر فعالیت پاسخگویی به انجام ارزشیابی نیاز دارد .

د) ارزشیابی و ارزیابی

به منظور پی بردن به میزان موفقیت فراگیر (یا فراگیران) در رسیدن به هدف های آموزشی مورد نظر ، باید توانایی هر فرد فراگیر در جریان آموزش و همچنین پایان

آموزش مورد اندازه گیری قرار گرفته و سطح موفقیت وی در رسیدن به هدفهای تعیین شده مشخص گردد. اندازه گیری و تعیین سطح قابلیت‌های هر فرد فراگیر یکی از وظایف اختصاصی و مهم معلم بشمار می آید. معلم با استفاده از روشهای مختلف جمع آوری اطلاعات، عملکرد هر یک از فراگیران کلاس خود را ارزیابی می کند. مثلاً به سوالهای یکسان تمام فراگیران را مورد آزمایش قرار می دهد و از نتایج آزمون (در صورت نیاز همراه با سایر اطلاعات مکمل) برای ارزیابی تک تک آنها استفاده می کند.

ارزیابی معلم از عملکرد فراگیران، تا حد زیادی مشابه ارزشیابی مجری ارزشیابی از برنامه آموزشی است. به عبارت دیگر، معلم به عنوان عامل ارزیابی در مورد عملکرد فراگیر قضاوت می کند، تصمیم می گیرد و در صورت ضرورت با توجه به شرایط و امکانات، راههای خاصی را برای کمک به فراگیر انتخاب و به اجرا در می آورد. بدین ترتیب معلم، مجری ارزیابی، فراگیر و عملکرد وی موضوع ارزیابی به شمار می آیند. در ارزشیابی نیز اگرچه قابلیت‌های فراگیران مورد اندازه گیری قرار می گیرد ولی هدف ارزشیابی، قضاوت در مورد ارزش برنامه و موثر بودن برنامه برای یک سری خاص از فراگیران شرکت کننده در برنامه است. تعیین قابلیت فرد فرد فراگیران در حوزه توجه مجری ارزشیابی قرار نمی گیرد. ارزشیابی برخلاف ارزیابی، در بیشتر موارد یک فعالیت بیرونی است که نباید با عمل ارزیابی معلم از فراگیران اشتباه گرفته شود و یا جایگزین آن گردد (ولف، ۱۹۷۴).

از آنجا که ارزشیابی به برنامه آموزشی توجه دارد ، نه فراگیران خاص از یافته های ارزشیابی بندرت می توان برای ارزیابی عملکرد فراگیران کلاس استفاده نمود . مجری ارزشیابی ، برای ارزشیابی برنامه آموزشی ، از گروه های مختلف فراگیران می خواهد تا به سوال های متفاوتی پاسخ دهند . این شیوه باعث می گردد که مثلاً دانش آموزان یک کلاس در گروه های مختلف قرار گرفته و هر گروه به یک مجموعه خاص از سوال های مطرح شده پاسخ دهند . در نتیجه به علت متفاوت بودن سوال های دانش آموزان ، نمی توان عملکرد فراگیران یک کلاس را با یکدیگر مقایسه و عملکرد آنها را از این طریق ارزیابی کرد . این نکته می رساند که معلمان نباید فعالیتهای ارزشیابی را مداخله در کار آموزش و ارزیابی و یا حتی نظارت بر کار خویش قلمداد نمایند .

در منابع فارسی ، واژه " ارزیابی " مترادف با واژه " ارزشیابی " به کار رفته است . در منابع انگلیسی ، واژه ارزیابی مترادف با " اندازه گیری " و " ارزشیابی " و گاه نیز به عنوان یک مفهوم کاملاً مستقل و متفاوت با دو واژه دیگر به کار رفته است .